

علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره بیست و پنجم، شماره یک، فروردین ماه ۱۴۰۲ (۱۳۹-۱۲۵)

نقش مراجع قضایی داخلی در شناسایی و تضمین عدالت میان نسلی به عنوان رکن اساسی توسعه پایدار

توکل حبیب زاده^{*۱}

thabibzadeh@gmail.com

کیوان اقبالی^۲

امیر پناهنده ثمرین^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۲۸

چکیده

در دهه‌های اخیر، افزایش گسترده نابرابری در جهان و تخریب نگران‌کننده محیط زیست، دولت‌ها را به بازبینی نحوه تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه واداشته است. بازبینی که ماحصل آن طرح مفهوم جدیدی با عنوان توسعه پایدار می‌باشد. توسعه پایدار فرایندی از توسعه است که در آن مطلوب بودن و امکانات موجود در طول زمان کاهش پیدا ننموده و نوعی عدالت توزیعی مستلزم تقسیم عادلانه فرصتهای توسعه بین نسل‌های کنونی و آینده به عنوان یکی از مهمترین اهداف توسعه مزبور برقرار خواهد شد. در این میان، با عنایت به آنکه مراجع قضایی به عنوان تضمین‌کنندگان اصلی عدالت در هر جامعه تلقی شده، در تحقیق حاضر سعی بر آن گردیده تا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، نقش و جایگاه این مراجع در ورود به مسئله لزوم رعایت عدالت میان نسلی در پیشبرد هر گونه برنامه توسعه ملی یا محلی و در نتیجه ایجاد التزام به رعایت ملاحظات مرتبط با این بعد از عدالت مورد ارزیابی قرار گیرد. در این راستا، بررسی رویه قضایی موجود در دادگاه‌های برخی از کشورها حکایت از آن دارد که مراجع مذکور می‌توانند نقشی اساسی در شناسایی و تضمین برقراری عدالت بین نسل حاضر و نسل‌های آینده در جریان تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه ملی و ناحیه‌ای، به عنوان یکی از اهداف اصلی توسعه مبتنی بر پایداری بر عهده گیرند.

واژه‌های کلیدی: توسعه پایدار، محیط زیست، عدالت میان نسلی، مراجع قضایی داخلی.

۱ - دانشجویار گروه حقوق عمومی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. * (مسئول مکاتبات)
۲ - دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. عضو گروه حقوق بشر و بین‌الملل پژوهشگاه قوه قضاییه.
۳ - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق محیط زیست، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

The Role of Domestic Judicial Authorities in Recognition and Guarantee of Intergenerational Justice as an Essential Element of Sustainable Development

Tavakol habibzadeh¹ *

[*thabibzadeh@gmail.com*](mailto:thabibzadeh@gmail.com)

Keivan eghbali²

Amir panahandeh Somarin³

Admission Date: July 14, 2021

Date Received: January 17, 2021

Abstract

In recent decades, growing inequality in the world and the worrying destruction of the environment have forced governments to reconsider the formulation and implementation of development plans. The outcome is the concept of sustainable development that entails a process in which desirability and available possibilities are not diminished over time and a kind of distributive justice requires a fair distribution of development opportunities between current and future generations as one of the most important development goals. Meanwhile, taking into account that the judiciary is considered as the main guarantor of justice in any society, in this study, using a descriptive and analytical method, the role and the position of judiciary authorities in considering the necessity of the observance of intergenerational justice in the advancement of any national or local development program and as a result the commitment to observe the considerations related to this dimension of justice is analyzed. In this regard, the review of judicial procedure in the courts of some countries indicates that these authorities can play a key role in recognizing and ensuring justice between the present and future generations during the codification and the implementation of development plans, as the main goal of the sustainable development.

Keywords: Development, Sustainability, Environment, Intergenerational justice, Domestic judicial authorities.

1- Associate Prof. of Department of Public law, Faculty of Islamic teachings and Law, Imam Sadegh University, Tehran, Iran. * (*Corresponding Author*)

2- Phd in General International Law, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabaiee University, Tehran, Iran, The Researcher in International Law and Human Right Group, The Public and international law Department of the Judiciary Research Institute.

3- MA in Environmental Law, The Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

مقدمه

میان آن که یکی از مهمترین نهادهای تضمین کننده برقراری عدالت، دستگاه قضایی به شمار می‌رود. بر این مبنا در تحقیق حاضر سعی بر آن خواهد شد تا نقش دستگاه قضایی در شناسایی و تضمین تحقق بعد میان نسلی عدالت در فرایند پیشبرد مسیر توسعه جامعه، آن هم از طریق بررسی آراء صادره در این حوزه از مراجع قضایی کشورهای مختلف مورد ارزیابی قرار گیرد. در این راستا، ابتدا مفهوم توسعه پایدار و عناصر تشکیل دهنده آن بررسی شده و پس از آن به مفهوم عدالت میان نسلی به عنوان یکی از ارکان اساسی مفهوم فوق‌الذکر از توسعه پرداخته خواهد شد. سپس سعی بر آن خواهد شد تا با بررسی آراء صادره از مراجع قضایی ملی، نقش دستگاه قضایی در ایجاد التزام به شناسایی و تضمین برقراری بعد میان نسلی عدالت در فرایند پیشبرد مسیر توسعه جامعه مورد ارزیابی واقع شود.

۱- مفهوم توسعه پایدار و لزوم برقراری عدالت میان نسلی

در دهه‌های اخیر، نتایج نامطلوب اجرای برنامه‌های توسعه در سطح ملی و تخریب نگران‌کننده محیط‌زیست و منابع طبیعی، جامعه بین‌المللی را به ارزیابی و بازبینی نحوه مدیریت منابع در مسیر توسعه، به منظور لحاظ نمودن ملاحظات زیست-محیطی در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه واداشته است. (۴) توسعه پایدار، مفهومی منبعت از تحمیل الزامات زیست محیطی بر فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی است که نخستین بار در گزارش کمیسیون برانتلند^۱ تعریف شده و سپس در بیانیه کنفرانس ریو ۱۹۹۲ به مثابه یکی از اصول پایه‌ای بهره‌برداری از محیط زیست و حفاظت از آن، شناسایی گردید. (۵) اقبال به توسعه پایدار در قرن بیست و یکم بیشتر شده، به نحوی که جایگاه اصلی را در اهداف توسعه هزاره و اهداف توسعه پایدار^۲ به خود اختصاص داده است.

۱-۱- چارچوب مفهومی توسعه پایدار

توسعه پایدار را می‌توان در چارچوب تعریف ارائه شده در گزارش کمیسیون برانتلند، توسعه‌ای دانست که در آن نیازهای نسل

توسعه مفهومی چندان جدید نبوده و حتی می‌توان گفت که قدمت طرح اولین ایده‌ها راجع به آن با عمر علم نوین اقتصاد برابری می‌نماید. پیشرفت و رفاه مادی انسان‌ها و ملت‌ها، همواره از جایگاهی ویژه در پژوهش‌های اقتصادی برخوردار بوده و از محورهای مهم مطالعات اقتصاددانان به‌شمار می‌رفته است. (۱) با وجود این، با تغییر چهره سیاسی جهان از اواسط قرن بیستم، مفهوم توسعه اقتصادی وارد مرحله نوینی گردیده و به واسطه علاقه و اشتیاق نخبگان جوامع گوناگون به پیشبرد جامعه خود در مسیر توسعه و ترقی، نظریه‌های چندی در ارتباط با توسعه در سطح جهانی شکل گرفت. (۲) نکته مشترک در ارتباط با بسیاری از این نظریات نوین آنکه در اکثریت آنها توسعه‌یافتگی معادل با توسعه اقتصادی در نظر گرفته شده و بر این اساس برابر با رشد تولید ناخالص ملی، افزایش درآمد سرانه افراد، صنعتی شدن و پیشرفت سطح فن آوری در یک جامعه به شمار می‌آمد. (۳)

با وجود این، نتایج نامطلوب اجرای سیاستهای تعدیل ساختاری و آزادسازی اقتصادی انجام شده در دهه‌های هفتاد و هشتاد میلادی، افزایش بی‌امان و گسترده فقر و نابرابری چشمگیر در جهان علی‌رغم اجرای برنامه‌های توسعه در سطح ملی و تخریب نگران‌کننده محیط زیست و منابع طبیعی، جامعه بین‌المللی را به ارزیابی و بازبینی نحوه تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه، به ویژه ضرورت توجه به ملاحظات زیست محیطی در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه واداشته است؛ مسئله‌ای که موجب شکل‌گیری مفهومی جدید از توسعه، یعنی توسعه پایدار گردید. مفهومی که توسعه در چارچوب آن نه صرفاً افزایش رشد اقتصادی و تولید ناخالص ملی، بلکه رهیافتی است که در آن عدالت توزیعی در برخورداری از منابع مورد نیاز برای توسعه همچنین منافع ناشی از آن، نه تنها بین اعضای نسل حاضر بلکه میان ایشان و نسل‌های آینده برقرار خواهد شد.

عدالتی که توأمان دارای ابعاد درون نسلی و میان نسلی باشد، از نقش مهمی در توسعه پایدار برخوردار است. نکته مهم در این

مرتبط با توسعه و محیط زیست پیرامون به وجود آمده باشد؛ به عنوان نمونه از دید گزارش برانتلند به عنوان یکی از مهمترین مبانی تکوین مفهوم توسعه پایدار، عدم توجه به محیط زیست در استراتژی‌های توسعه، در نهایت عواقب وخیمی را در مسیر تداوم توسعه به دنبال خواهد داشت.

تامین عناصر مورد نیاز برای تداوم یک توسعه مطلوب تا حد بسیار زیادی منوط به حفاظت از محیط زیست خواهد بود. عدم رعایت ملاحظات زیست محیطی در برنامه‌های ملی توسعه جوامع گوناگون، و تخریب محیط زیست، عواقب وخیمی برای توسعه جوامع مزبور در بسیاری حوزه‌ها همچون تامین امنیت غذایی یا بهداشتی و یا حتی تامین اشتغال مناسب به دنبال خواهد داشت. به عنوان مثال، استفاده از روش‌های غیر اصولی در کشاورزی، همچون آبیاری غیرعلمی یا استفاده بی‌رویه از کودهای شیمیایی به فرسایش خاک و از دست رفتن حاصل‌خیزی آن، آلودگی منابع زیرزمینی آب و مقاوم شدن آفات^۴ منجر خواهد شد؛ مسئله‌ای که در نهایت با تاثیر منفی بر سطح تولید محصولات کشاورزی، می‌تواند به کمبود مواد غذایی، گرسنگی و حتی قحطی در جوامع با جمعیت رو به رشد منجر گردد. (8)

همچنین می‌توان به استفاده بی‌رویه از سوخت‌های فسیلی اشاره نمود که با افزایش میزان گازهای گلخانه‌ای، موجب گرم‌تر شدن دمای کره زمین و به تبع آن ذوب شدن یخچال‌های قطبی و بالا آمدن سطح آب دریاها خواهد شد؛ وضعیتی که با زیر آب بردن مناطق ساحلی، به نوبه خود سبب از بین رفتن محل سکونت و اشتغال مردم این مناطق و به دنبال آن، آغاز مهاجرت اجباری آنها خواهد گردید. (9) در همین چارچوب، نابودی جنگل‌ها و به تبع آن از بین رفتن بسیاری از گونه‌های گیاهی و جانوری نیز قابل ذکر می‌باشد. مسئله‌ای که تاثیر عمده‌ای در کاهش قابل توجه ذخایر ژنتیکی موجود برای مقاوم‌سازی محصولات کشاورزی در برابر آفات، همچنین استفاده در ساخت داروهای جدید داشته و به نوبه خویش چالش مهمی بر سر راه حفاظت از امنیت غذایی و بهداشتی جوامع محسوب می‌شود. (9)

حاضر بدون آنکه توانایی نسل‌های آینده برای تامین نیازهایشان با مخاطره روبرو شود، تامین خواهد شد. (6) این در حالی است که در توسعه به مفهوم کلاسیک آن، به طور معمول تامین نیازهای حال جامعه بدون توجه به آینده صورت گرفته که آثار نامطلوبی را نیز به بار آورده است. در مقابل در توسعه پایدار، تطبیق توسعه با محدودیت‌ها و ملاحظات زیست محیطی محور اصلی توجه بوده، به نحوی که در جریان تصمیم‌گیری برای توسعه، تمامی ملاحظات اعم از محیط زیستی، اقتصادی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. (6)

در این راستا می‌توان به رای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سد گابچیکو-ناگیماروس^۱ بین مجارستان و اسلواکی اشاره نمود. در این قضیه که به سبب خودداری مجارستان از انجام تعهدات خویش در ساخت سد مزبور بر اساس قرارداد ۱۹۷۷ طرفین به دیوان ارجاع شده بود، در زمره یکی از مهمترین استدلال‌های مجارستان در عدم انجام تعهدات خود، عامل ضرورت^۲ به سبب عواقب زیست محیطی اجرای پروژه مذکور از قبیل کاهش سطح آب‌های زیرزمینی و نابودی حیات وحش^۳ منطقه مورد استناد قرار گرفته بود. (7)

دیوان اگر چه به علت نامشخص بودن سطح فوریت مخاطرات زیست محیطی استناد شده توسط مجارستان در صورت اجرای پروژه سد، استدلال این دولت به عامل ضرورت نمی‌پذیرد. (7) اما با استناد به نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۸۰ در ارتباط با تفسیر ماده ۳۳ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، ملاحظات یک دولت نسبت به محیط زیست خود را جزیی از منافع اساسی آن تلقی و بنابراین بر لزوم رعایت این ملاحظات نه تنها از طرف دیگر دولت‌ها، بلکه از طرف جامعه بشری در کلیت آن تاکید می‌نماید. (7)

در چارچوب دیدگاه توسعه پایدار، تضمین تداوم توسعه به صورت ماندگار به نحوی که برخورداری از مواهب توسعه را نه تنها برای نسل حاضر بلکه برای نسل‌های آینده نیز تضمین نماید، تنها در صورتی میسر خواهد بود که نوعی هماهنگی میان فعالیت‌های

4- Pest

5- Greenhouses Gases

1- Gabčíkovo-Nagymaros

2- Necessity

3- Flora and Fauna

در کنار عدالت بین نسلی و درون نسلی، نکته مهم دیگر شایسته توجه در ارتباط با توسعه پایدار، نگاه همه جانبه در این رهیافت به فرایند توسعه می‌باشد. در چارچوب توسعه پایدار، ابعاد گوناگون توسعه اعم از اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی با یکدیگر مرتبط و هر یک مکمل دیگری در نظر گرفته می‌شود. (10)

از منظر توسعه پایدار تاکید بر رعایت ملاحظات محیط زیستی در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه، نه تنها به سبب حفاظت از محیط زیست، بلکه از منظر اهمیت و نقش محیط زیست سالم در پیشبرد موفقیت‌آمیز مسیر توسعه در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی نیز ضرورت دارد. (11)

به عنوان مثال در توسعه پایدار با هدف تامین سلامت عمومی، بر لزوم اتخاذ و اجرای استراتژی‌های مناسب به منظور تسهیل در دسترسی عمومی به آب آشامیدنی سالم و سیستم فاضلاب^۱ همچنین ایجاد تاسیسات رفع آلودگی از هوا تاکید می‌گردد.

(11)

چنین استراتژی‌هایی در صورت موفقیت، نه تنها به عنوان گامی بلند در تامین سلامت عمومی و جلوگیری از شیوع بیماری‌ها تلقی شده، بلکه با جلوگیری از آلوده شدن منابع آب یا خاک به دلیل عدم نشت فاضلاب و گازهای سمی، راهکاری سودمند در جهت حفاظت از محیط زیست هم به شمار می‌آیند. به صورت متقابل، وجود یک محیط زیست سالم (به ویژه در ارتباط با آب، هوا و خاک عاری از آلودگی)، عاملی مهم برای حفاظت از جامعه در برابر بیماری‌ها و در نتیجه ارتقاء بهداشت و سلامت عمومی مردم جامعه به عنوان منابع انسانی مورد نیاز برای تداوم پیشبرد مسیر توسعه محسوب خواهد شد. (11)

در چارچوب توسعه پایدار، با ادغام ملاحظات زیست محیطی و اقتصادی در استراتژی‌های توسعه، تلاش می‌گردد تا از یکسو امکان تداوم بهره‌برداری مناسب آن دسته از افراد جامعه که معیشت ایشان در وابستگی مستقیم به منابع مزبور قرار گرفته، تامین شده و از سوی دیگر زمینه بقاء و حفاظت از منابع فوق فراهم شود؛ توازنی که عدم توجه به آن و پیشبرد برنامه‌های

به دیگر سخن، اثرات منفی تخریب محیط زیست بر اثر اعمال برنامه‌های نادرست توسعه، نه تنها اهداف موردنظر در توسعه اقتصادی همچون بالا بردن سطح امنیت غذایی و یا اشتغال را با ناکامی روبرو خواهد نمود، بلکه با نابود نمودن منابع زیست مردم در حوزه‌هایی همچون کشاورزی، ماهیگیری و جنگلداری ... به ویژه با ایجاد معضلاتی همچون فرسایش خاک، هجوم گسترده‌تر آفات، بالا آمدن سطح آب دریاها و به تبع آن افزایش کمبود مواد غذایی، بیکاری، مهاجرت اجباری و ... خود به عاملی تهدید کننده در تداوم روند توسعه و ثبات اجتماعی جوامع تحت تاثیر تبدیل خواهد شد.

به طور کلی و در مقام توصیف پایداری به عنوان ویژگی اساسی توسعه پایدار، می‌توان گفت که پایدار بودن توسعه وضعیتی است که در آن مطلوب بودن و امکانات موجود در طول زمان کاهش پیدا نخواهد نمود؛ توسعه پایدار نوعی عدالت توزیعی است که مراد از آن تقسیم عادلانه فرصت‌های توسعه بین نسل‌های کنونی و آینده از یک سو و عام الشمول بودن آن (برخورداری همگانی در درون یک نسل از فرصت‌های موجود) از سوی دیگر خواهد بود. (۴)

۱-۲- عناصر اصلی مورد توجه در توسعه پایدار

عدالت بین نسلی از نقش مهمی در توسعه پایدار برخوردار بوده، به گونه‌ای که در چارچوب توسعه مذکور، سه رکن اساسی برای عدالت بین نسلی قابل توضیح می‌باشد که به ترتیب عبارتند از: ۱- هر نسلی موظف بوده تا منابع طبیعی در اختیار خود را برای نسل‌های آینده نیز حفظ و به ایشان انتقال دهد؛ ۲- نسل حاضر وظیفه دارد تا منابع در اختیار خویش را همان‌گونه که از نسل پیشین تحویل گرفته به نسل آینده انتقال دهد؛ ۳- لازمه وجود عدالت بین نسل حاضر و نسل آینده در برخورداری از منابع طبیعی، وجود عدالت و دسترسی همگانی به منابع مذکور در میان نسل حاضر می‌باشد، چرا که بدون وجود چنین عدالتی در بین اعضای نسل فوق، نمی‌توان وجود آن در بین نسل‌های مختلف را نیز انتظار داشت. (9)

توسعه بدون در نظر گرفتن ملاحظات زیست محیطی و الزامات مرتبط با پایدار نگاه‌داری منابع طبیعی لازم برای تولید، همچون خاک، آب و ...، کاهش پایداری این منابع و به تبع آن کاهش سطح تولیدات اقتصادی وابسته به آنها را به دنبال خواهد داشت؛ کاهش تولیدی که با عنایت به وابستگی معیشت برخی افراد به آن، باعث بروز مشکلاتی همچون کمبود مواد غذایی و گسترش بیکاری و تبع آن افزایش فقر در بین این دسته از افراد و خانواده‌هایشان در نسل حاضر و در نسل آینده خواهد شد. (11)

۳-۱- عدالت میان نسلی و جایگاه آن در تحقق توسعه پایدار

عدالت یکی از مفاهیمی است که همواره در حوزه‌های گوناگونی از معارف بشری به صورت دغدغه‌ای اساسی مورد توجه بوده است. در دهه‌های اخیر، تلاش برای رشد شتابان اقتصادی و اندازه‌گیری آن با شاخص‌هایی همچون میزان افزایش تولید ناخالص ملی و یا درآمد سرانه، بدون توجه به چگونگی توزیع ثروت حاصله میان دهک‌های گوناگون درآمدی سبب شده تا در ادبیات توسعه، از توجه به عدالت کاسته شده و حتی در مواقعی این باور پدید آید که آرمان‌های رشد اقتصادی با عدالت سازگاری ندارند. (۱۲)

این جریان فکری چنان بر رهبران و سیاست‌گذاران کشورهای در حال توسعه اثر گذاشته که حتی سیاستمداری همچون جواهر لعل نهرو نخست وزیر هند که خود از معتقدان جدی عدالت اجتماعی - اقتصادی در میان جوامع کمتر توسعه یافته به شمار می‌رود را به توجیه گرایش به سمت نابرابری فزاینده در هند و می‌داشت. از دید امثال نهرو نابرابری در اقتصاد در حال رشد، تاحدودی اجتناب ناپذیر خواهد بود. در این میان تعدادی از اقتصاددانان مسلمان نیز به رغم تأکید صریح و واضح اسلام بر عدالت اقتصادی - اجتماعی، با گرایش مزبور همراه شده و این دیدگاه را طرح کردند که تحقق عدالت اجتماعی، کالای اقتصادی لوکسی است که تنها در کشورهای توسعه یافته پیدا می‌شود. (۱۲)

با وجود این، با آشکار شدن اثرات منفی سیاست‌های مبتنی بر رشد همچون بی‌عدالتی، فقر شدید و بیکاری سبب شد تا اندک اندک تعدادی از اقتصاددانان توسعه، به ویژه در کشورهای در حال توسعه به راهبردهای رشدمحور با دیده تردید نگرسته و در صدد جایگزینی روش‌های جایگزین برای رهیافت مذکور برآیند. این راهبردها، در کنار رشد، توجه به شاخص‌های آموزش و سلامت عمومی را هم مورد توجه قرار داده و به نوعی به دنبال تحقق نمودهای عدالت در جامعه بودند. اما همچنان این بحث‌ها در درون یک نسل مطرح بوده و در گام بعدی این تحول، همان‌گونه که اشاره شد با مطرح شدن توسعه پایدار، عدالت میان‌نسلی و این اعتقاد که محیط زیست و منابع طبیعی به همه نسل‌ها تعلق دارد، در کانون بحث‌های مربوط به توسعه قرار گرفت. در حقیقت، مطرح شدن توسعه پایدار، ضرورت توجه به این بعد از عدالت در توسعه را هم با خود به ارمغان آورده است. (۱۲)

عدالت در مفهوم میان‌نسلی اگر چه در دهه‌های اخیر مورد توجه بسیار قرار گرفته، اما به هیچ‌نمی‌توان آن را ایده‌ای کاملاً نوین به شمار آورد. به عنوان نمونه از روایت‌های مختلفی که درباره سرزمین‌های فتح شده توسط مسلمانان با ابزار جنگ (راضی مفتوح عنوه) به جای مانده، می‌توان به اهمیت نسل‌های آینده در منابع اسلامی پی برد. به عنوان نمونه، در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که ایشان در مورد زمین‌های عراق می‌فرمایند: چنین زمین‌هایی متعلق به تمامی مسلمانان اعم از آنان که امروز مسلمان بوده یا بعداً به اسلام گرویده یا مسلمان به دنیا می‌آیند، خواهد بود. همچنین در روایتی از امام کاظم (ع) نیز نقل شده: زمین‌هایی که با جنگ فتح شده‌اند، موقوفه بوده و در دست کسانی که آن‌ها را آباد می‌کنند باقی خواهد ماند و اختیار این زمین‌ها در اختیار والی وقت بوده تا از کسانی که بر روی آنها کار می‌کنند به اندازه توان آنها خراج بگیرد. از دیدگاه امام خمینی (ره) منظور از وقف در این روایت معنای لغوی آن بوده و به این معنا است که این زمین‌ها ملک کسی نبوده بلکه آزاد بوده و در جهت مصالح مسلمانان مصرف خواهند شد. (۱۲)

شدن وضعیت زمین از زمان تحویل به نسل قبل تضمین شود. ۳- تأمین حق دسترسی منصفانه برای همه اعضای نسل حاضر به میراث نسل پیشین همچنین دسترسی نسل های بعدی به میراث مزبور. (15)

نکته مهم آن که این سه مؤلفه در اصل عدالت میان-نسلی، یعنی حفاظت از انتخاب های نسل های آینده، حفاظت از کیفیت ستاره ی زمین و حفاظت از دسترسی به منابع، پنج گونه تکلیف به دنبال دارد که به ترتیب می توان آنها را چنین برشمرد:

۱- تکلیف بر حفظ منابع: این حفاظت باید بر منابع تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر طبیعی و فرهنگی انجام شود. کره خاکی که در زمینه ی منابع، غنی از میراث های طبیعی و فرهنگی است، امروزه این منابع چه از نوع تجدیدپذیر و چه تجدیدناپذیر، آسیب پذیرتر از گذشته شده است. در نتیجه، تکلیف بر بهره برداری بهینه و پایدار از منابع و جایگزینی منابع پایدار و جدید به جای منابع تجدیدناپذیر از مهم ترین راه حل های موجود هستند.

۲- تکلیف بر استفاده منصفانه: این تکلیف به معنای ایجاد دسترسی خردمندانه و بدون تبعیض به میراث طبیعی و فرهنگی ستاره ی زمین است. بر اساس این اصل، یک سطح حداقلی از برابری میان نسل ها باید رعایت شود.

۳- تکلیف بر جلوگیری از آثار زیان بار: این تکلیف، مستلزم انجام اقدامات پیشگیرانه برای متوقف ساختن رویدادهایی است که به ستاره ی ما آسیب وارد می نماید. گرچه، در این مورد اقدامات جبرانی همچون جبران خسارت از جمله قواعد و روش های قضایی به شمار می آید، در مورد محیط زیست و منابع طبیعی تجدیدناپذیر نمی تواند روشی مناسب و کامل باشد. به همین دلیل، پیشگیری به ویژه در

در دوران اندیشه مدرن هم شاید نخستین کسی که به نوعی دغدغه نسل های آینده را بتوان از نظرات وی استخراج نمود توماس مالتوس^۱ اقتصاددان انگلیسی باشد که اعلام داشته که رشد روزافزون جمعیت، نسل های آینده را با خطر کمبود منابع و گرسنگی مواجه خواهد ساخت. در دوران معاصر نیز نویسندگانی همچون پیگو در سال ۱۹۲۹ به منظور حمایت از نسل های آینده مسأله پس انداز را طرح کرده و اعلام می دارند که کوتاه بودن افق دید انسان و محدود بودن عمر وی منجر به نادیده شدن نتایج پس انداز و ترجیح منافع نسل فعلی بر نسل آینده خواهد شد؛ مسئله ای که به نوبه خود به کاهش پس انداز، عدم سرمایه گذاری جدید و مصرف موهبت های طبیعی می انجامد. با این وجود به نظر می رسد که عدالت میان نسلی تنها در دهه های اخیر با طرح مسأله توسعه پایدار و تأکید فراوان مدافعان محیط زیست بر لزوم حفظ منابع طبیعی برای نسل های آینده به صورت جدی در ادبیات اقتصاد توسعه، محیط زیست و منابع طبیعی مورد توجه قرار گرفته و راهکارهای عملی برای تحقق آن ارائه شده است. (۱۲)

از دید فردی چون جان رالز^۲ که با نظریه مشهور با عنوان در باب عدالت به شهرت رسید، اصل مرتبط با عدالت بین نسلی، اصل پس انداز عادلانه بوده که براساس آن، هر نسل سهم خود را از نسل های قبلی دریافت کرده و برای نسل های پس از خود نیز پس انداز می نماید (۱۳) در مقام تعریف «عدالت میان-نسلی» را که یکی از وجوه عدالت توزیعی یا اجتماعی به شمار می رود، می توان به معنای رعایت نوعی انصاف در بهره برداری از منابع مورد نیاز برای توسعه میان نسل های گذشته، حال و آینده ی بشر تفسیر نمود. (14)

در این چارچوب می توان از سه مؤلفه به عنوان زیربنای اصل عدالت میان-نسلی یاد نمود: ۱- حفاظت از تنوع طبیعی و فرهنگی بر روی زمین، برای تضمین اینکه انتخاب های نسل های آینده محدود نخواهد بود. ۲- حفظ کیفیت ستاره ی زمین توسط هر نسل به گونه ای که در هنگام انتقال به نسل بعدی، عدم بدتر

دادگستری کشور و دادگاه‌های رده پایین‌تر، تضمین نموده است. (18)

در این میان به نظر می‌رسد که در میان مفاهیم قابل برداشت از مفهوم عدالت، عدالت میان نسلی نیز از مواردی است که همچون دیگر مصادیق عدالت نیازمند تضمین توسط نظام قضایی هر کشور خواهد بود. صیانت از حقوق و منافع نسل‌های آینده در دادگاه‌های داخلی از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ زیرا بسیاری از مسائل مربوط به نسل‌ها، در ارتباط با حقوق عمومی مردم یک جامعه در کلیت آن است که در قوانین اساسی و گاه در قوانین عادی مورد تصریح مکتّن قرار می‌گیرد. بر این اساس و در این قسمت، پرونده‌های مشهوری از فیلیپین، استرالیا، ایران، هلند و تاثیر آن‌ها در شناسایی و تضمین عدالت میان نسلی در برنامه‌های مرتبط با توسعه اقتصادی مورد ارزیابی واقع خواهد شد.

۱-۲ فیلیپین؛ کودکان اوپو سا علیه فاکتوران (وزیر محیط زیست)^۱

در تاریخ ژوئیه ۱۹۹۳، دیوان عالی فیلیپین رأی خود را به نفع کودکانی صادر کرد که از جانب نسل‌های آینده اقامه دعوا نموده و سازمان مردم نهاد زیست محیطی به نام «شبکه‌ی بوم‌شناختی فیلیپین» نیز از آنان حمایت می‌کرد. در این پرونده کودکان اُپو سا (خوان آنتونیو، آنا رو ساریو و خوسه آلفونسو اُپوسا) و ۴۳ کودک دیگر از طریق والدین خود، با طرح دعوا در دادگاه کودک علیه وزارت محیط زیست و منابع طبیعی به علت جنگل‌زدایی، به مقاصد بهره‌برداری تجاری در مناطق جنگلی و به ویژه جنگل‌های استوایی، خواستار توقف صدور پروانه قطع درختان توسط وزیر محیط زیست شدند. زیرا صدور چنین پروانه‌ای، نقض حق اساسی بر محیط زیست سالم تلقی می‌شود. خواهان‌ها در دادخواست خود بر حق بر محیط زیست سالم در بندهای ۱۵ و ۱۶ از ماده ۲ قانون اساسی ۱۹۸۷ فیلیپین تأکید داشته و بیان کردند که آنان نماینده‌ی نسل خود و همچنین نسل‌هایی هستند که هنوز متولد نشده‌اند. (19)

احکام قضایی می‌تواند نقشی تعیین کننده داشته باشد.

۴- تکلیف بر جلوگیری از فجایع: این تکلیف با به کمینه رساندن آسیب و همچنین انجام اقدامات و کمک‌های اضطراری در هنگام فجایع زیست محیطی تکمیل می‌شود. جلوگیری از وقوع فجایع زیست محیطی برای نسل‌های آینده نقشی بسیار حیاتی دارد و شاید روش جبران خسارت حقوقی برای نسل آینده معنایی نداشته باشد.

تکلیف بر جبران خسارت زیست محیطی: این تکلیف بر جبران خسارت قطعاً برخاسته از مسئولیت نسل کنونی در قبال نسل آینده و همچنین در برابر اعضای نسل خود است. برای حفظ منابع طبیعی، جبران خسارت زیست محیطی در هر مورد باید به شکلی تعیین شود که اثرگذار و بهینه باشد. (16)

۲- تضمین عدالت میان نسلی در رویه قضایی داخلی

اشاره شد که یکی از بسترهای ضروری برای تحقق توسعه پایدار تضمین عدالت درون نسلی و میان نسلی می‌باشد. این در حالی است که به نظر می‌رسد که نقش اساسی در تضمین عدالت با دستگاه قضایی هر کشور باشد. به عنوان نمونه، در اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی این گونه به وظیفه قوه قضائیه در تحقق عدالت تأکید گردیده است: «قوه قضائیه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است». چنین اشاره‌ای به نقش دستگاه قضایی در تضمین عدالت منحصر به قانون داخلی ایران نبوده و به عنوان نمونه در اصل ۳۹ قانون اساسی هند، بر تعهد دولت هند به تضمین عدالت توسط ساز و کار حقوقی کشور تأکید گردیده است. (17)

همچنین می‌توان به قانون اساسی فیلیپین مصوب سال ۱۹۸۷ اشاره نمود که در ماده ۷ آن حفاظت از حقوق قابل درخواست و اجرا را از طریق سپردن وظیفه حل و فصل اختلافات به دیوان

البته برخی نویسندگان معتقدند که با وجود تأثیرات فراوان این پرونده در سطح حقوق بین‌الملل محیط زیست و در سطح دانشگاهی، رای مزبور تأثیرات کمی بر حقوق داخلی فیلیپین و نحوه صدور پروانه در موارد بهره‌برداری از چوب درختان جنگلی به جای گذاشت. در این راستا، حتی بسیاری معتقد هستند که با وجود اهمیت این پرونده، آثار آن بر رویه قضایی در فیلیپین نیز کم‌رنگ بوده و ارجاعات چندانی در طول سال‌ها به آن داده نشده است. (21)

اما با این حال، شواهد حاکی از آن است در رسیدگی به تعدادی از پرونده‌ها هم در دادگاه‌های فیلیپین و هم در دادگاه‌های داخلی دیگر کشور به قضیه‌ی اوپوسا استناد شده است. به ویژه موضوع «مسئولیت میان‌نسلی» که تحت تأثیر این پرونده، در آراء قضایی پرونده‌های بعدی مورد توجه قرار گرفت. برای مثال، در سال ۲۰۰۶ شعبه‌ی سوم دیوان عالی کشور فیلیپین، در قضیه «نارس و دیگران علیه هیئت قانون‌گذاری و حق امتیاز حمل‌ونقل زمینی و وزارت ترابری و ارتباطات»، اعلام می‌کند که همان‌گونه که دو مفهوم «مسئولیت میان‌نسلی» و «عدالت میان‌نسلی» در ارتباط با حق بنیادین بر اکولوژی سالم و متعادل در پرونده اوپوسا به رسمیت شناخته شد، در این پرونده نیز حق بر داشتن هوای پاک برای نسل‌های آینده به رسمیت شناخته می‌شود. (22)

۲-۲ فیلیپین؛ پرونده پستانداران دریایی منطقه حفاظت شده تنگه تانون

یکی از جدیدترین پرونده‌ها در دادگاه‌های فیلیپین، در زمینه شناسایی عدالت میان نسلی، مربوط به سال ۲۰۱۵ میلادی است. این قضیه از نظر ادبیات حاکم و رویکرد جامعه و نظام قضایی به محیط زیست و جانوران نیز در عصر کنونی حائز اهمیت می‌باشد. نکته جالب توجه این که خواهان‌ها مجموعه‌ی پستانداران دریایی منطقه‌ی حفاظت شده‌ی تنگه‌ی تانیون هستند که به نمایندگی از آنها، انسان‌ها، گ.ا. راموس^۱ و ر.ا.

یکی از نکات قابل توجه در این رأی این است که دیوان عالی فیلیپین، نسل آینده را به عنوان یک «شخص حقوقی» شناسایی می‌کند. (19) اهمیت این رأی، به ویژه با توجه به تاریخ اقامه دعوا و صدور رأی، تا جایی است که می‌توان آن را یکی از آراء بسیار مؤثر در توسعه‌ی حقوق بین‌الملل محیط زیست به شمار آورد.

این دعوا نخست در شعبه ۶۶ دادگاه بدوی ناحیه‌ای در شهر ماکاتی، مانیلا، اقامه گردید. خواهان‌های اصیل در واقع همه صغار هستند که والدین آنان به نمایندگی از جانب‌شان اقدام نموده و در ادامه سازمان غیردولتی «شبکه بوم‌شناختی فیلیپین» نیز به عنوان خواهان به جمع آنها اضافه گردید. النهایه دیوان عالی به سود کودکان نامبرده رای صادر نموده و دولت فیلیپین و ادار گردید تا مقررات ویژه‌ای برای جلوگیری از قطع درختان در مناطق جنگلی این کشور اتخاذ نماید؛ (20) از دید دادگاه، یک مسئولیت میان-نسلی در جهت پاسداری از محیط زیست پاک برای هر نسل در قبال نسل بعدی وجود داشته و کودکان می‌توانند برای اجرای این حق از جانب نسل خود و نسل‌های آینده اقامه دعوا نمایند. (19)

در قضیه‌ی کودکان اوپوسا دیوان عالی فیلیپین در بررسی خود اعلام نمود که خواهان‌ها یک «دادخواهی سنخی»^۲ یا «جمعی» ارائه کرده‌اند، آن هم نه فقط به دلیل اینکه تعداد خواهان‌ها زیاد بوده و ویژگی نمایندگی برای حفاظت از منافع مورد بحث را دارند، بلکه به این دلیل که خواهان‌ها نماینده‌ی نسل کنونی و نسل آینده به شمار می‌آیند. (19) بر این اساس دیوان عالی چنین نتیجه‌گیری کرد که شکایت بر یک حق قانونی اساسی یعنی حق بر بوم‌سازگان سالم و متعادل تأکید دارد که جزئی از حقوق مقرر در قانون اساسی به شمار می‌رود. نادیده گرفتن و یا نقض حق خواهان‌ها بر داشتن بوم‌سازگان سالم و متعادل توسط دولت که خود تکلیف و تعهد بر حفاظت و احترام به محیط زیست را دارد، موجبی برای اقامه‌ی دعوا خواهد بود. (19)

توسعه‌ی پایدار بوم‌شناختی همچون عدالت میان-نسلی، بی‌توجهی کرده است. دادگاه زمین و محیط زیست نیو ساوت ویلز نیز پذیرفت که دبیرکل با در ارزیابی اثر زیست‌محیطی شرکت سننیتال، به اصول توسعه‌ی پایدار بوم‌شناختی بی‌توجهی نموده است و در نتیجه تصمیم وی را باطل اعلام نمود. قاضی پرونده نتیجه گرفت که ارزیابی اثر زیست‌محیطی در معدن زغال سنگ منطقه‌ی *انویل هیل* باید شامل تخمین میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای، نه فقط از معدن زغال سنگ، بلکه از استفاده‌ی نهایی زغالی که بعد از استخراج در بخش‌های دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد، باشد. (24)

نکته شایان توجه در رای مذکور آن که التزام دولت محلی نیو ساوت ولز به ارزیابی میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای از استفاده نهایی زغال استخراج شده از معدن *انویل هیل* در حقیقت التزام دولت مزبور به رعایت ملاحظات زیست محیطی ناشی از توسعه پایدار محسوب شده که خود در پیوند مستقیمی با مفهوم عدالت میان نسلی می‌باشد. (25)

۲-۴ استرالیا؛ حافظان چشم‌انداز تارالاگا علیه وزیر

برنامه‌ریزی

موضوع شکایت *حافظان تارالاگا علیه وزیر برنامه‌ریزی*، پرونده‌ای در سال ۲۰۰۷ میلادی بود که مربوط به اختلاف میان گروهی از ساکنان منطقه‌ای روستایی و یک شرکت انرژی بادی درباره‌ی پیشنهاد این شرکت برای توسعه‌ی نیروگاه بادی می‌شد. این پرونده درباره‌ی ایجاد تعادل میان خواست‌ها و منافع مردم محلی در جهت حفاظت از چشم‌اندازها و پوشش گیاهی و جانوری منطقه و در مقابل نیازهای توسعه‌ای و مزایای استفاده از انرژی پاک توسط یک مزرعه‌ی انرژی بادی می‌باشد. در نهایت قاضی پرونده، مزایای استفاده از این انرژی پاک را به دلیل «منفعت عمومی» آن، بر نیازهای محلی برتری داد. (26)

قاضی فوق‌الذکر اصل عدالت میان نسلی را مد نظر قرار داده و استدلال کرد که در زمینه‌ی تولید انرژی، اجرای عدالت میان

اوساریوادر سیمت حافظان حقوقی دیگر اشکال حیات و به عنوان نگاهبانان مسؤول مخلوقات خدا معرفی شده اند. (23)

خواننده‌ی پرونده نیز وزیر محیط زیست و منابع طبیعی فیلیپین است. خواهان‌ها به رأی دادگاه مبنی بر مجوز دادن به عملیات اکتشافی نفت در تنگه‌ی تانیون اعتراض داشته و دیوان عالی فیلیپین هم در رأی خود اعلام می‌کند که «بر اساس بخش پنچ قانون آیین دادرسی زیست‌محیطی، هر شهروند فیلیپینی به نمایندگی از دیگران، شامل کودکان یا نسل‌های متولد نشده، می‌تواند برای اجرای حقوق یا تکالیف بر اساس حقوق محیط زیست، طرح دعوا کند. (23)

به عبارت دیگر، هر شخص فیلیپینی اهلیت این را دارد که به عنوان نگاهبان طبیعت اقدام به طرح دعوا نموده و در نتیجه، خواهان‌ها دارای سمت برای اقامه دعوا هستند. (23)

در این پرونده، دیوان عالی کشور فیلیپین علاوه برای شناسایی اهلیت طرح دعوا به نمایندگی از نسل‌های آینده، به رأی دادگاه در پرونده کودکان اوپو سا اشاره کرده و به آن چندین بار ارجاع می‌دهد، جایی که نخستین بار در آن مفهوم «مسؤولیت میان‌نسلی» نهادینه شد. (23)

در نهایت دیوان قرارداد منعقد شده بین دولت فیلیپین و یک شرکت ژاپنی به منظور اکتشاف نفت در تنگه تانون همچین عملیات انجام شده در آن چارچوب را مغایر با قانون سال ۱۹۹۲ فیلیپین در ارتباط با مناطق حفاظت شده دانسته و در نتیجه آن‌ها را غیر قانونی اعلام می‌نماید. (23)

۲-۳ استرالیا؛ قضیه‌ی گری علیه وزیر برنامه‌ریزی

در این پرونده، آقای *پیتر گری* علیه وزیر برنامه‌ریزی، دبیرکل این وزارتخانه و شرکت *سننیتال هانترا* اقامه‌ی دعوا کرده است. این قضیه مربوط به تصمیم دبیرکل وزارت برنامه‌ریزی در ارتباط با اعطای مجوز به شرکت *سننیتال* برای آغاز توسعه‌ی یک معدن زغال سنگ در منطقه‌ای از نیو ساوت ویلز در استرالیا می‌باشد. در این پرونده، گری، یک فعال محیط زیست، چنین استدلال کرده که دبیرکل وزارت برنامه‌ریزی به اصول مربوط به

است که موضوع آن درباره‌ی حفاظت از منافع عمومی یا منافع جمعی دیگر افراد باشد. (27)

از دید اورگندا، سازمان مزبور نه تنها به نمایندگی از نسل حاضر بلکه به نمایندگی از نسل‌های آینده به طرح دعوا بر علیه دولت هلند به منظور کاهش دادن گازهای آلاینده اقدام نموده است؛ استدلالی که در پیوند مستقیم با مسئله عدالت بین نسلی در چارچوب توسعه پایدار قرار گرفته و دادگاه را بر آن داشت تا به منظور یافتن تعریف پایداری به تعریف مقرر در گزارش برنتلند از مفهوم مزبور و ماهیت بین نسلی آن اشاره نماید. (27)

بر این مبنا، دادگاه این نکته را که تلاش سازمان اورگندا در برقراری یک جامعه پایدار بوده، مورد شناسایی قرار داده و پس از آن اعلام می‌نماید که از جمله لوازم برقراری چنین جامعه‌ای نه تنها تامین دسترس نسل حاضر به منابع طبیعی و محیط زیست سالم بلکه تضمین دسترس نسل‌های آینده به مواهب مزبور بوده، ضرورتی که موجب می‌شود تا اورگندا از حق اعلام نمایندگی از جامعه در کامل‌ترین شکل آن (نسل حاضر و نسل‌های آینده) برخوردار باشد. (27)

پس از آن دادگاه به تعهدات بین‌المللی (همچون مواد ۲ و ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و مفاد کنوانسیون تغییرات اقلیمی) و قوانین و مقررات داخلی مرتبط با انجام تعهدات دولت هلند در کاهش انتشار گازهای آلاینده تمرکز نموده و در نهایت، نتیجه می‌گیرد که دولت مزبور با عدم کاهش مناسب سطح گازهای آلاینده، ناقض حقوق و اصول حقوقی مورد بحث تلقی شده و بر این مبنا موظف است تا سال ۲۰۲۰ به میزان حداقل ۲۵ درصد از انتشار گازهای مؤثر در تغییرات اقلیمی در قیاس با سطح تولید این گازها در سال ۱۹۹۰ را کاهش دهد. (27)

رأی پرونده اورگندا نه تنها نخستین رأیی است که در آن دادگاه به دولت دستور کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای را می‌دهد، بلکه اهمیت دیگر آن را می‌باید است در این نکته جستجو نمود که در بیان و اثبات این موضوع، به اصل پایداری و به تبع آن حفاظت از منافع نسل‌های آینده تأکید می‌نماید. شایان ذکر است دادگاه

نسلی مستلزم توجه به دو مورد است: نخست، باید به استخراج و بهره‌برداری پایدار با عنایت به منبع مورد استفاده و محیط زیست اطراف آن منبع توجه نمود. هدف از این امر، تنها افزایش عمر منابع تجدیدناپذیر نبوده، بلکه، حفظ محیط زیست، شامل فرایندهای بوم‌شناختی آن که حیات نیز بدان‌ها وابسته است و به نفع نسل‌های کنونی و آینده می‌باشد. دوم، افزایش جایگزینی منابع پاک‌تر انرژی به جای منابع آلاینده‌تر باید مدنظر قرار گرفته که با این کار، نسل کنونی می‌تواند پیامدهای ناگوار مصرف انرژی برای نسل‌های آینده را کاهش دهد. (26) در واقع، در این پرونده، دو منفعت کوتاه مدت و بلند مدت در تقابل با هم قرار گرفته و چنین استدلال شد که بهره‌برداری صحیح از انرژی بادی به دلیل حفاظت از نیازهای زیستی «نسل‌های آینده» اولویت دارد.

۵-۲ هلند: اورگندا علیه دولت هلند

اورگندا، یک سازمان غیردولتی زیست‌محیطی در هلند است که در سال ۲۰۱۳ به همراه ۹۰۰ تن شاکی دیگر علیه دولت هلند (پادشاهی هلند و وزارت زیرساخت و محیط زیست) به دلیل انجام ندادن اقدامات کافی برای مقابله با تغییرات اقلیمی در نزد دادگاه لاهه هلند اقامه‌ی دعوا نمود. ادعای اورگندا این بود که سطح انتشارات گازهای گلخانه‌ای غیرقانونی بوده، زیرا حقوق افراد و تکلیف قانونی دولت را نقض می‌کند. یکی از موارد نقض که پایه و اساس این ادعا قرار گرفت نقض اصل عدم وارد آوردن آسیب بود که از تکالیف حقوقی کنوانسیون چارچوبی تغییرات اقلیمی به شمار می‌رود. در این پرونده، آنچه که موجبات اختلاف دولت هلند و مؤسسه اورگندا را فراهم آورد، این نکته بود که آیا حق مؤسسه مزبور برای طرح دعوا به نمایندگی از مردم هلند برای درخواست کاهش گازهای گلخانه‌ای از جانب دولت متبوع ایشان، صرفاً به نسل حاضر محدود شده یا شامل نمایندگی از نسل‌های آینده هم خواهد شد؟ (27)

به موجب بند (a) از ماده ۳۰۳ قانون مدنی هلند، یک مؤسسه یا انجمن دارای اهلیت قانونی کامل برای اقامه‌ی دعوا در دادگاهی

۳- حق احترام به حریم خصوصی و زندگی خانوادگی

1- Sustainable society

۲- حق بر حیات

عالی هلند در سال ۲۰۱۹ با تأیید نظر دادگاه لاهه، حکم به التزام دولت هلند به کاهش ۲۵٪ گازهای آلاینده تا ۲۰۲۰ داده است. الزامی که پیش به تأیید دادگاه تجدید نظر هلند هم رسیده بود. (28)

۶-۲ ایران، قضیه‌ی سازمان انرژی اتمی ایران علیه گمرک
تأکید بر حفظ حقوق نسل‌های آینده در برخی قوانین برنامه‌ای، سیاست‌گذاری‌ها و قوانین عادی کشور ما نیز مشاهده می‌شود. به عنوان مثال در «قانون حفاظت در برابر اشعه» مصوب سال ۱۳۶۸، به ضرورت حفاظت کارکنان، مردم، نسل‌های آینده و محیط در برابر اثرات زیان‌آور اشعه اشاره شده است. (۲۹) چنین تأکیدی موجب می‌شود تا در چارچوب قوه قضائیه ایران هم امکان شناسایی و صیانت از عدالت در بعد میان نسلی آن و در نتیجه تضمین حقوق آیندگان میسر شده باشد.

در این راستا و به عنوان رویه عملی در شناسایی و تضمین عدالت میان نسلی در نظام قضایی ایران می‌توان به رای هیات عمومی دیوان عدالت اداری در قضیه‌ی سازمان انرژی اتمی ایران علیه گمرک/ایران در سال ۱۳۷۱ اشاره نمود که در آن و در زمره استدلال‌ات مورد استفاده در رابطه با غیر قانونی بودن بخشنامه مورد اختلاف، به ضرورت حفاظت از نسل‌های آینده مقرر در قانون حفاظت در برابر اشعه اشاره می‌شود. در ابتدای این رای چنین آمده: «معاونت رییس جمهور و رییس سازمان انرژی اتمی طی نامه شماره ۱۳۸۵، ۳۰ مورخ ۱۳۷۱/۱/۲۹ اعلام داشته است که به استناد ماده ۵ قانون سازمان انرژی اتمی ایران مصوب سال ۱۳۵۳ و ماده‌ی ۱۳ قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب سال ۱۳۶۸ نظارت در منابع مولد اشعه، کار با اشعه، احداث، تأسیس، راه‌اندازی، بهره‌برداری از کار، راه‌اندازی و تصدّی هر واحدی که در آن کار با اشعه انجام شود، هر گونه فعالیت در رابطه با منابع مولد اشعه شامل واردات و صادرات، ترخیص، توزیع، تهیه، تولید، ساخت، تملک، تحلیل اکتشاف، استخراج، حمل و نقل، معاملات پیمانکاری نقل و انتقال، کاربرد و یا پسمانداری حفاظت کارکنان، مردم و نسل‌های آینده به طور کلی و محیط در برابر اثرات زیان‌آور اشعه در انحصار سازمان مزبور است. ریاست گمرک ایران با صدور بخشنامه بر

خلاف نصّ صریح قوانین اشاره شده با شماره ۷۳،۱،۷۲۹،۱۴۹۹۷ مورخ ۱۳۶۹/۸/۸ مانع اجرای نظارت قانونی این سازمان در کنترل آلودگی هسته‌ای مواد غذایی شده است. از جهت این که ورود مواد آلوده و توزیع آن در کشور می‌تواند منجر به بروز حوادث ناگوار و غیر قابل جبران گردیده و باعث ورود خسارات بی‌حدّی شود... لذا خواهشمند است دستور فرمایید در اجرای بند پ ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری در مورد لغو بخشنامه شماره فوق گمرک ایران تصمیم شایسته اتخاذ شود». (۳۰)

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در مقام رسیدگی به این پرونده در ابتدا با اشاره به ضرورت حفاظت از مردم و نسل‌های آینده از طریق کنترل مواد غذایی از جهت آلودگی با اشعه توسط سازمان انرژی اتمی، (۳۰) این گونه به استدلال پرداخته است: «نظر به این که حفاظت مردم و نسل‌های آینده به‌طور کلی و محیط در برابر اثرات زیان‌آور اشعه حسب بند ۵ ماده ۳ قانون لاحق اخیر از موارد شمول قانون احصاء و در جهت حسن اجرای مقررات قانون مزبور نظارت بر کلیه امور مندرج در ماده ۳ و بازرسی در زمینه‌های مزبور به عهده واحد قانونی (سازمان انرژی اتمی) گذارده شده و کنترل مواد غذایی از جهت آلودگی با اشعه از جمله موارد حفاظت مردم و نسل‌های آینده به‌طور کلی و... وظیفه نظارتی سازمان انرژی اتمی است و عدم اشاره مقررات قانون صادرات و واردات به کسب مجوز از سازمان مذکور در مورد ترخیص مواد غذایی و موکول نمودن ترخیص به رعایت ماده ۱۶ قانون مواد خوراکی و آشامیدنی و... مصوب سال ۴۶ که قانونگذار در تاریخ وضع (سال ۶۷) آن را لازم ندیده و اداره گمرک مستند به این معنی عمل خود را قانونی اعلام کرده با توجه به مقررات بعدی (قانون حفاظت در برابر اشعه) که واضعین آن حفاظت مردم و نسل‌های آینده و محیط را در برابر اشعه با توجه به موقعیت زمانی و آلودگی‌های اتمی موجود ضروری تشخیص و مقرر داشته، مؤثر در مقام نیست و نظر به این که قطع ادامه نظارت سازمان انرژی اتمی که با پذیرش مفاد نامه ۵۷۳-۲۰۰-۳۰ مورخ ۶۵/۳/۲۲ سازمان مذکور به علت حادثه نیروگاه اتمی چرنوبیل شوروی برقرار بوده محتاج اظهار نظر کارشناسی نسبت به موضوع و خارج از صلاحیت و تخصص اداره گمرک می‌باشد هیأت عمومی دیوان بخشنامه

در این راستا و با هدف تسریع در تضمین شناسایی و برقراری عدالت بین نسل حاضر و نسل‌های آینده شهروندان ایرانی در جریان تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه، تخصیص تعدادی از دادگاه‌ها به رسیدگی اختصاصی به دعاوی مرتبط با وارد آمدن آسیب به محیط زیست و منابع طبیعی بر اثر فعالیت‌های بخش عمومی و خصوصی مفید فایده خواهد بود؛ همچنین با عنایت به مفاد ماده ۲۹۰ قانون آئین دادرسی کیفری^۲، این امکان وجود دارد تا دادستانی کل کشور در مواردی که عدم رعایت ملاحظات محیط زیستی در اجرای برنامه‌های توسعه با وجود آوردن شرایطی همچون فرسایش خاک، نابودی جنگل‌ها یا آلودگی منابع آب و ... دسترسی اعضای جامعه به این منابع با هدف استیفای حقوق خویش را تضييع و در نتیجه موجبات تهدید شدن منافع و حقوق عامه را فراهم کرده باشد، خود را سآ ورود کرده و در مراجع صالح اقامه دعوا نماید. به عبارت دیگر، با عنایت به ضرورت حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی برای دسترسی نسل‌های آینده به آن‌ها در مسیر توسعه خویش و در نتیجه برخوردار شدن جامعه از توسعه پایدار، تشکیل شعب ویژه رسیدگی به دعاوی مرتبط با تخریب محیط زیست با هدف تسریع در رسیدگی به این دعاوی، همچنین ورود مستقیم دادستانی کل کشور به عنوان مدعی العموم در دعاوی مزبور با هدف پیگرد خاطیان، گامی مهمی در راستای تامین عدالت میان نسلی در ایران خواهد بود.

References

1. Farahanifar, Saeed, Sustainable development based on justice, *Journal of Islamic Economics*, 2005, Issue.19, pp.91-122. (In Persian)
2. Todaro, Michael, Economic Development in the Third World, Translated by Gholamali Farjadi,

موضوع شکایت را خلاف قانون تشخیص و ابطال می‌نماید.» (۳۰) به عبارت دیگر، هیأت عمومی دیوان عدالت اداری کشور با اسناد به استدلال‌ات فوق و از آن جمله تأکید مقرر در قانون بر حفاظت از نسل‌های آینده در برابر اشعه، بخشنامه گمرک را به دلیل عدم توجه به نقش نظارتی سازمان انرژی اتمی در این حوزه، خلاف قانون تشخیص داده و ابطال نموده است.

نتیجه‌گیری

پایدار بودن توسعه وضعیتی است که در آن مطلوب بودن و امکانات موجود برای توسعه جامعه در طول زمان کاهش پیدا نکرده و تلاش می‌گردد تا با برقراری نوعی عدالت توزیعی، امکانات و منابع مورد نیاز برای توسعه بین نسل‌های کنونی و آینده به گونه‌ای عادلانه تقسیم شود. با وجود این به نظر می‌رسد که هدایت مسیر توسعه در راستای تضمین عدالت مورد نظر در توسعه پایدار کار چندان آسانی نبوده و نیازمند وجود برخی سازوکار می‌باشد؛ نکته مهم در این میان آن‌که نظارت مراجع قضایی به عنوان تضمین کنندگان اصلی عدالت در هر جامعه بر فرایند پیشبرد برنامه‌های توسعه ملی یا محلی در صورتی که با هدف نظارت بر چگونگی رعایت عدالت به ویژه بعد میان نسلی آن در پیشبرد هر گونه برنامه توسعه صورت گرفته باشد، می‌تواند نقشی حیاتی در شناسایی و تضمین این بعد از عدالت در جریان تدوین و اجرای برنامه‌های مذکور بر عهده گیرد؛ نقشی که بررسی رویه قضایی موجود در دادگاه‌های تعدادی از کشورها همچون هلند، فیلیپین، استرالیا و حتی جمهوری اسلامی ایران نشان دهنده میزان اثرگذاری این مراجع در تضمین شناسایی و ضرورت برقراری عدالت بین نسل حاضر و نسل‌های آینده در جریان تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه ملی و ناحیه‌ای، به عنوان یکی از اهداف اصلی توسعه مبتنی بر پایداری می‌باشد.

۲- دادستان کل کشور مکلف است در جرائم راجع به اموال، منافع و مصالح ملی و خسارت وارده به حقوق عمومی که نیاز به طرح دعوی دارد از طریق مراجع ذی صلاح داخلی، خارجی و یا بین‌المللی پیگیری و نظارت نماید.

۱- هم اکنون در تعدادی از استان‌ها همچون خراسان رضوی شعب ویژه رسیدگی به جرائم محیط زیستی تاسیس شده است. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: تشکیل شعبه ویژه رسیدگی به جرائم زیست محیطی در مشهد

21. Rio de Janerio. Brazil. 3 to 14 June 1992
12. Farahanifar, Saeed, Intergenerational justice in the exploitation of natural resources, *Journal of Islamic Economics*, 2007. Issue.25, pp.125-156. (In Persian)
13. Fayyazi, Mohammad Taghi& Ali Asghar Ajdari; Mojtaba Bagheri Tudashki, Sustainability of budget based on intergenerational justice in exploiting oil resources; an approach for Iran, *Journal of Iran's Economic Essays*, 2020, Volume 16, Issue 32, pp.35-59
14. Maggio, G.F. 1997. Inter/intragenerational Equity: Current Applications under International Law for Promoting the Sustainable Development of Natural Resources. *Buffalo Environmental Law Journal*. Vol. 4. No. 2. pp.161-223
15. Brown Weiss, Edith 1998 .Our rights and Obligations to Future Generations and the Environment. *American Journal of International Law*. Vol.84. pp.197-207
16. Farchakh, Loubna.2003. *The Concept of Intergenerational Equity in International Law*. thesis for Masters of Laws. Faculty of Law. Montreal.Institute of Comparative Law. McGill University
17. The Constitution of India. 26 November 1949
18. The Constitution of Philippines. 1987
19. Republic of the Philippines Supreme Court. Oposa v. Factoran. G.R. No. 101083. 30 July 1993.
20. Robinson, Nicholas. 1997. Attaining Systems for Sustainability through Environmental Law. *Natural Resources & Environment*. Vol. 12. No. 2. pp.86-141
- Volume.1, Tehran: Plan and Budget Organization, 1991. (In Persian)
3. sen, amartya, development as freedom, Translated by Vahid Mahmoodi, fourth edition, Tehran: University of Tehran Press, 2015. (In Persian)
4. Zahedi, Shamsolsadat& Najafi, Gholam ali, Conceptual development of sustainable development, *Quarterly Journal of Humanities Teacher*, 2006, Volume.10, Issue.4, pp.43-76. (In Persian)
5. Ramezani Ghavam Abadi, Mohammad Hossein & Shafighfard, Hassan, Sustainable Development and Right to a Healthy Environment: Contradiction or Companionship, *World Politics: a Quarterly Journal*, 2016, Volume.5, Issue:1, pp.241-271. (In Persian)
6. Emas, Rachel. 2015. The Concept of Sustainable Development: Definition and Defining Principles. In: https://sustainabledevelopment.un.org/content/documents/5839GSDR%202015_SD_concept_definiton_rev.pdf
Last Visited in:2018/11/20
7. ICJ.Case Concerning the Gabcikovo-Nagymaros Project. Hungary/Slovakia. Judgment of 25 September 1997
8. Report of the World Commission on Environment and Development: Our Common Future. Oxford University Press. New York. USA. 1987
9. Dernbach, John C. 1998. Sustainable Development as a Framework for National Governance. *Case Western Reserve Law Review*. Vol. 49. Issue 1. pp.1-103
10. A/RES/S-19/2. Programme for the Further Implementation of Agenda 21. 19 September 1997
11. United Nations Conference on Environment & Development. Agenda

- Law Review*. Vol. 29. Issue 4. pp. 725-734
26. Land and Environment Court of New South Wales. *Taralaga Landscape Guardians Inc. v. Minister for Planning*. NSWLEC 59 (Taralaga). 12 February 2007
 27. District Court of The Hague. *Urgenda Foundation v The State of the Netherlands (Ministry of Infrastructure and the Environment)*. C/09/00456689 . 24 June 2015
 28. Schwartz, John. 2019. In 'Strongest' Climate Ruling Yet, Dutch Court Orders Leaders to Take Action. in: <https://www.nytimes.com/2019/12/20/climate/netherlands-climate-lawsuit.html>
 29. Radiation Protection Act. Approved by the Islamic Consultative Assembly of Iran, 10 April 1989(in Persian)
 30. the Court of Administrative justice, the decision of the General Board of the Court of Administrative Justice related to the annulment of the circular No. 73/1/729/14997, 28 July 1992, Case number 63. Case class 21/71. (In Persian)
 21. Dirth, Elizabeth .2018. *Governance for Future Generations: A Global Review of the Implementation of Intergenerational Equity, Course: Sustainable Development – Environmental Governance Track*. Thesis for Master of Laws. Utrecht : University of Utrecht
 22. Republic of the Philippines Supreme Court. Third Division, Hilarion M. Henares.Jr., et al. v. Land Transportation Franchising and Regulatory Board and Department of Transportation and Communications. G. R. No. 158290. 23 October 2006
 23. Republic of the Philippines Supreme Court. Resident Marine Mammals of the Protected Seascape Tanon Strait v. Secretary Angelo Reyes. G.R. No. 180771. 21 April 2015
 24. Land and Environment Court of New South Wales. *Gray v The Minister for Planning and Ores*. NSWLEC 720. 27 November 2006
 25. Rose, Anne. 2007. *Gray v Minister for Planning: the rising tide, of climate change litigation in Australia*. *Sydney*